



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۳۹۸، دوره ۲، شماره ۳، پیاپی ۷

تجاری سازی کشاورزی در تقابل با توسعه پایدار

بهمن خسروی پور^{۱*}، خدیجه سلیمانی هارونی^۲

۱- استاد و عضو هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

۲- دانشجوی دکتری آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

Khadijeh.soleimani@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۹

چکیده

بررسی روند توسعه کشورها حاکی از آن است که توسعه بخش کشاورزی به عنوان یکی از مهمترین بخش های اقتصادی و یا حتی فراتر از آن، به عنوان پیش نیاز ضروری برای تحقق توسعه پایدار کشور امری حیاتی است. با تحولاتی که در کشاورزی و تغییر آن از کشاورزی معیشتی به کشاورزی متعارف و بعد از آن صنعتی و حال حرکت به سوی کشاورزی تجاری صورت گرفته است سوال این است که آیا در فرایند تجاری شدن کشاورزی امکان نیل به اهداف توسعه پایدار امکان پذیر خواهد بود یا خیر؟ و جایگاه کشاورزان خرده پا در این فرایند کجاست؟ در این مقاله با مرور منابع مکتوب در این زمینه ضمن تشریح اهمیت بخش کشاورزی و تجاری شدن آن و ارتباط آن با تأمین امنیت غذایی به بررسی این فرایند پرداخته و بر ضرورت توجه به کشاورزان خرده پا در این فرایند تأکید می نماید.

کلید واژه: کشاورزی تجاری، کشاورز خرده پا، توسعه پایدار، امنیت غذایی

بخش کشاورزی به عنوان کهن‌ترین فعالیت تولیدی با خاستگاه روستایی، در روند توسعه کشورهای مختلف در ادوار زمانی متفاوت از اهمیت خاصی برخوردار بوده است (مومنی و همکاران، ۱۳۹۶). بررسی روند توسعه کشورهای مختلف حاکی از آن است که توسعه بخش کشاورزی به عنوان یکی از مهمترین بخش‌های اقتصادی و یا حتی فراتر از آن، به عنوان پیش نیاز ضروری برای تحقق توسعه پایدار کشور امری حیاتی است (مومنی و همکاران، ۱۳۹۶). به طوری که بدون رفع موانع توسعه در این بخش، نمی‌توان انتظار داشت سایر بخش‌ها از جمله بخش صنعت به شکوفایی و توسعه و توسعه دست یابد (مومنی و همکاران، ۱۳۹۶).

بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه موتور اصلی رشد و توسعه اقتصادی است. کشورهای در حال توسعه برای گذر از بحران‌های عدم توسعه بایستی به سراغ بخش کشاورزی خود رفته و ضمن تلاش برای گسترش تولیدات کشاورزی در تفکر آن باشند که این بخش را با تکنولوژی‌های پیشرفته آمیخته سازند تا از این رهگذر تولیدات خود را کارا نمایند. این بخش به علت ارتباطات گسترده‌ای که با سایر بخش‌های اقتصادی دارد می‌تواند با رشد خود زمینه تولید ثروت، ایجاد بازار و ارزآوری و رشد صنعت را فراهم نماید. بنابراین کشورهای در حال توسعه برای برون رفت از بحران‌های اقتصادی باید بخش کشاورزی را از ارکان اصلی توسعه اقتصادی به شمار آورند و به دلیل نقش به‌سزایی که این بخش در تامین غذا، رفاه جامعه، تولید ناخالص ملی (GNP) و در نهایت رشد اقتصاد ملی ایفا می‌کند، آن را سرلوحه برنامه‌های اقتصادی خود قرار دهند (حاجی رستم‌لو و عارف‌نیا، ۱۳۹۲).

اما با تحولات اخیر کشاورزی و اثرات آن بر اهداف توسعه پایدار سوال اساسی این مطالعه این است که آیا با تجاری شدن کشاورزی کشاورزان خرده پا که نقش کلیدی در نیل به اهداف توسعه پایدار ایفا می‌کنند همچنان می‌توانند در برابر چالش‌های ناشی از آن دوام آورده و امنیت غذایی جامعه تأمین خواهد شد. لذا با بررسی اهمیت و نقش کشاورزان خرده پا در فرایند توسعه و اثرات تجاری شدن بر آنان به ارائه راهکارهایی جهت بهبود فرایند نیل به اهداف توسعه پایدار پرداخته شده است.

۲- اهمیت بخش کشاورزی و تجاری شدن آن

اهمیت کشاورزی در فرایند پیشرفت اجتماعی و توسعه اقتصادی به خوبی شناخته شده است (Glover & Jones., 2019). در گزارش بانک جهانی تصریح شده بخش کشاورزی به عنوان یک فعالیت اقتصادی، یک شیوه امرار معاش و بخش ارائه دهنده خدمات زیست محیطی، این بخش را به ابزار منحصر به فرد برای توسعه تبدیل کرده است (Byerlee et al., 2008). در واقع کشاورزی یک نقش کلیدی در معیشت، اشتغال، رشد درآمد، امنیت غذایی،

کاهش فقر، توسعه اقتصادی - اجتماعی و پایداری محیط زیست در کشورهای درحال توسعه ایفا می کند و در مناطق با جمعیت فقیر بیشتر و وابستگی بیشتر به کشاورزی این اهمیت دوچندان است (Zhou et al., 2013).

اما در حال حاضر عرضه غذا در جهان به یک بحران در کشاورزی تبدیل شده است. برخی از دلایل ایجاد چنین پدیده‌های عبارتند از (خدایناه، ۱۳۹۸):

الف) رشد جمعیت و درآمد سرانه در کشورهای تازه صنعتی شده و کشورهای پرجمعیت و نیز وضعیت نگران کننده کشورهای کم درآمد (که عمدتاً با کمبود غذا روبه‌رو هستند) موجب افزایش تقاضای غذا و افزون شدن آن بر عرضه جهانی غذا گردیده و بر موجودی و قیمت‌های جاری مواد غذایی تأثیر گذاشته است.

ب) میزان عرضه و قیمت‌های جاری مواد غذایی در حدی است که شمار زیادی از مردم فقیر از رژیم‌های غذایی مناسبی برخوردار نیستند.

ج) باوجود پیشرفت‌های فناوری طی چند دهه گذشته که توانست محدودیت‌های عرضه را برطرف نماید و تولید اقلام مهم غذایی را افزایش دهد، اما این فناوری‌ها با شرایط تولید تمامی محصولات سازگار نبوده‌اند. بعلاوه درمورد برخی کالاهای اساسی، فن‌آوری‌های تولید، محصول را به حد تولید بالقوه نزدیک کرده است (مقارن با دور نخست انقلاب سبز در آسیا). بدین ترتیب از طریق فناوری‌های موجود امکان رشد تولید و بهره‌وری کاهش یافته است.

لذا به گفته بسیاری از اندیشمندان حوزه اقتصاد در دنیا، تنها کشورهایی در سال‌های آتی می‌توانند رشد و توسعه داشته باشند و در رقابت با سایر کشورها به موفقیت دست پیدا کنند که به سه اصل دسترسی به انرژی، توجه به نیروی انسانی و تأمین مواد غذایی (امنیت غذایی) توجه نمایند (سهرابی، ۱۳۹۴).

۳- تجاری سازی کشاورزی و چالش های آن

تجاری سازی از دهه ۱۹۸۰ به عنوان راهی برای رفع فقر و نیز بهبود امنیت غذایی خانوارهای فقیر کشاورز در کشورهای کم درآمد مورد توجه قرار گرفته است (Linderhof et al., 2019). و انتقال از کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری کلید رشد اقتصادی است (Carletto et al., 2017).

طبق تفکر غالب تغییر از کشاورزی معیشتی (یا نیمه معیشتی) به کشاورزی تجاری بویژه در کشورهای کم درآمد به عنوان کلید توسعه اقتصادی معرفی شد. تصور می شد که در مقایسه، کشاورزی تجاری موجب افزایش تجارت و بهره

وری، رشد اقتصادی و بهبود رفاه در سطح ملی می شود و بیشتر انتظار می رفت که موجب ایجاد یک چرخه بافضیلت گردد که درآمد خانوار را افزایش دهد، موجب افزایش مصرف، امنیت غذایی و تغذیه در خانوارهای روستایی گردد. اما این دیدگاه از دهه ۱۹۷۰ بارها مورد اعتراض قرار گرفت و با افزایش حجم مطالعات در آن دهه و اوایل دهه ۱۹۸۰ بر اثرات منفی آن بر خانوارها و تغذیه به ویژه در فقیرترین گروههای جمعیت روستایی و آسیب پذیرترین افراد در خانواده که اغلب نتوانسته اند از مزایای این تغییر جهت بازار استفاده ببرند (Carletto et al., 2017).

کشاورزی حدود یک سوم از GDP را به خود اختصاص داده و بیش از ۷۰٪ افراد بویژه فقرا در این بخش واقع هستند. و تحول کشاورزی باید بتواند از طریق کاهش فقر، تأمین امنیت غذایی بیشتر و نیز خلق نهاد و ساختار برای تحول اقتصادی موجب اثرات توسعه ای شود. خروجی کم بسیاری از پروژه های سرمایه گذاری بر زمینهای بزرگ تفکر قدیمی و سنتی که توسعه آینده کشاورزی آفریقا اساساً تکیه بر تمرکز بر کشاورزان خرده پا دارد را تقویت می کند و بحث مزارع کوچک در برابر مزارع بزرگ را به راه انداخته است. زمانی که زمین فراوان است و جمعیت در حال رشد، کشاورزان از کار خانواده در سایه قیمت پایین نیروی کار بیشتر بهره مند می شوند و هزینه استخدام نیروی کار را ندارند. زمانی که مزرعه با اندازه قابل دسترس در اختیار خانواده کشاورز قرار گیرد او نسبت به مزایای زمین بزرگتر، ذینفع تر خواهد بود. و در تحقیقات مختلف بارها نشان داده شده که کشاورزان کوچکتر بهتر قادر به بهبود کیفیت و کاهش فقر هستند (World Bank, 2008).

مزارع کوچکتر تمایل دارند که از نیروی کار در واحد سطح استفاده بیشتر کرده و الگوهای هزینه آنها تمایل به صرف هزینه کمتر نسبت به مزارع بزرگ است لذا فرصت های بیشتری برای اشتغال فراهم می کنند (Hazell and Roel, 1983). فقدان بازار مالی کارآمد برای بخش کشاورزی و ناتوانی آن در تأمین منابع مالی مورد نیاز سرمایه گذاری، روند توسعه بخش مذکور را کند نموده است. سیاست های اقتصاد کلان و بخشی نامناسب، تصور فقدان سودآوری و ضعف ساختاری نهادها و بازار مالی کشاورزی و مداخلات ناکارآمد دولت در این بازار (نظیر وضع نرخ سود ترجیحی و اعطای اعتبارات یارانه ای، اعطای تسهیلات تکلیفی توسط نظام بانکی، الزام بانک کشاورزی به اجرای اهداف و برنامه های اعتباری دولت و تمرکز صرف این بانک بر فعالیت های بخش کشاورزی) از مهم ترین چالش ها و تنگناهای بازار مالی کشاورزی کشور می باشد (خداپناه، ۱۳۹۸).

۴- اثرات تجاری سازی کشاورزی بر کشاورزان خرده پا

کشاورزان خرده پا اغلب با خانواده اداره می شوند و دارای دو یا کمتر هکتار زمین هستند و استقلال آنان در کشت و بازاریابی محصولات کشاورزی منجر به تنوع زیستی در مزارع آنان شده لذا در بحران های اقتصادی انعطاف بیشتر داشته و در بسیاری از مناطق جهان آنان را به ستون فقرات بالقوه تأمین مواد غذایی پایدار تبدیل کرده است (Terlau et al., 2019).

تأثیر مزارع کشاورزی بر کشاورزان خرده پا در کشورهای درحال توسعه همچنان بحث برانگیز باقی مانده است (Glover & Jones., 2019).

طبق گزارش توسعه بانک جهانی در سال ۲۰۰۸ بهبود بهره وری، سودآوری و پایداری کشاورزان خرده پا به عنوان اصلی ترین راه برون رفت از فقر و استفاده از کشاورزی برای توسعه است (The World Bank, 2008) که این امر از طریق بهبود مشوقهای قیمت، سرمایه گذاریهای عمومی بیشتر و بهتر و نیز دسترسی بهتر به بازار و اعتبارات، سازمانهای تولید کننده موثر و نیز ترویج نوآوری از طریق و فناوری امکانپذیر است (Uy, 2015). جدول زیر دامنه اثرات سرمایه گذاری های خارجی در کشاورزی کشورهای درحال توسعه را نشان می دهد.

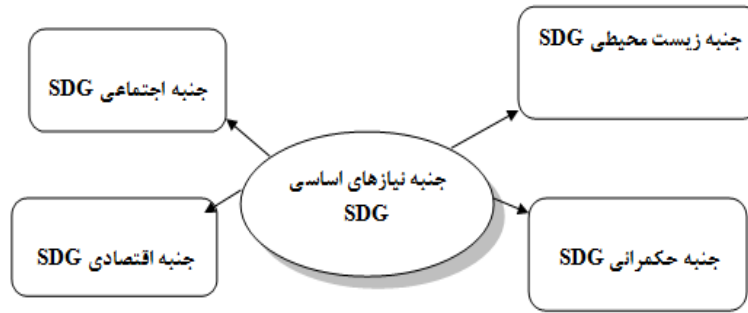
جدول شماره ۱- دامنه اثرات سرمایه گذاری های خارجی در کشاورزی کشورهای درحال توسعه (Glover & Jones.,)

(۲۰۱۹)

دامنه تأثیر	شیوه های ورود به سیستم	شیوه های محرومیت
سرمایه طبیعی	توسعه کالاهای عمومی محلی (همچون آبیاری، جاده ها)	سلب مالکیت زمین، محدودیت دسترسی به آب، آلودگی
روابط تولید	خرید نهاده ها از خرده مالکان محلی، محصولات نیروی کاربر	سرمایه گذاری فشرده بر تک محصولی
بازار خروجی	توسعه بازارهای جدید (چرخه های ارزش)، جایگزین نهاده های وارداتی اشباع بازارهای محلی کشاورزی	

سازمان جهانی غذا و کشاورزی (FAO) در انتشار خود با عنوان "مقابله با چالشهای غذا و کشاورزی: کشاورزان خرده پا در دستورکار" به پنج مورد به عنوان عامل تغییر اشاره می کند: خانواده کشاورزان، زنان روستایی، سرمایه گذران زیرساختها، افراد آسیب پذیر و سیاست گذران (Terlau et al., 2019) به نقل از (Wolfenson & Rome., 2013). مزارع خانوادگی و کشاورزان خرده پا در سال ۲۰۱۴ به دلیل اعلام سال جهانی مزارع خانوادگی توسط سازمان ملل توجه ویژه ای بدان شده است. و سهم آنان در تولید پایدار مواد غذایی و امنیت غذایی اهمیت جهانی یافته است. در اروپا نیز همچون کشورهای کمتر توسعه یافته نیز در حال توسعه اهمیت یافته است (Terlau et al., 2019).

غذا و کشاورزی هسته موضوعات مرتبط با ۱۷ هدف توسعه پایدار هستند و کشاورزان خرده پا برای تأمین غذای ملل حیاتی هستند و آنان نقش اساسی در سیستم های غذای پایدار در آینده ایفا خواهند کرد (Terlau et al., 2019). لذا رهیافت نیل به اهداف توسعه پایدار با تأکید بر کشاورزان خرده پا را به شکل ۱ می توان ترسیم کرد و جنبه های مربوط به هر بعد را در جدول ۲ می توان مشاهده کرد.



شکل ۱- رهیافت نقش کشاورزان خرده پا در اهداف توسعه پایدار (SDG): منبع: (Terlau et al., 2019)

سازمان های غیر دولتی نیز بر نیاز تمرکز بر کشاورزان خرده پا و افزایش نقش آنها در برنامه ریزی و اجرای اهداف توسعه پایدار (SDG) تأکید می کنند: "ما باید به کشاورزان خرده پا گوش فرا دهیم. با تحقق اهداف توسعه پایدار باید صدای کشاورزان خرده پا و کشاورزان در بالاترین سطح دولت و تجارت شنیده شود" (Lamb, 2015).

جدول شماره ۲- نقش کشاورزان خرده پا در اهداف توسعه پایدار

نیازهای اساسی SDG	حاکمیت مستقیم SDG
از بین بردن فقر شدید	۱,۴. حقوق مساوی برای منابع اقتصادی همچون دسترسی به خدمات اساسی
پوشش حمایت اجتماعی	۲,۳. دسترسی به زمین و دیگر منابع تولیدی و نهاده ها
۲,۱. دسترسی به غذای سالم، مغذی و کافی	۲,۵. دسترسی به تنوع زیستی بذور
۳,۷. دسترسی به مراقبت های بهداشتی تولید مثل	۲,۸. دسترسی به اطلاعات بازار
۳,۸. دسترسی به مراقبت های بهداشتی، پزشکی و واکسن های با کیفیت	۸,۳. دسترسی به خدمات مالی (سیاستهای تشویقی)
۳,۸. اعلامیه دوحه واکسن	۹,۳. دسترسی به خدمات مالی (SME)
۴,۲، ۴,۳، ۴,۵، ۴,۷، ۴,۸. دسترسی به آموزش	۱۰,۲. توانمندسازی و بهبود شمول اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و همه.
۵,۶. دسترسی به سلامت جنسی و تولید مثل	۱۰,۴. پذیرش سیاست های اجتماعی، مالی، دستمزد
۶,۱. دسترسی به آب آشامیدنی	۱۰,۷. تسهیل سیاست مهاجرت منظم، ایمن و مسئولانه
۶,۲. دسترسی به فاضلاب	۱۴,۸. دسترسی به منابع دریایی و بازار برای صنایع دستی ماهیگران در مقیاس کوچک
۷,۱. دسترسی به فاضلاب	۱۷,۲. وظیفه آزاد و سهمیه دسترسی به بازار آزاد (تصمیمات سازمان تجارت جهانی)
۸,۵. اشتغال مولد و کار شایسته برای همه زنان و مردان	
۸,۱۰. دسترسی به خدمات بانکی، بیمه و خدمات مالی (تعداد شعب بانکی)	
۹,۱. دسترسی به زیرساختها	
۹,۸. دسترسی به اطلاعات (پوشش تلفن همراه)	
۱۰,۱. تحقق بخشیدن به رشد درآمد	

<p>۱۰,۳. اطمینان از فرصت برابر</p> <p>۱۱,۱. دسترسی به مسکن</p> <p>۱۱,۲. دسترسی به سیستم حمل و نقل ایمن و مقرون به صرفه (حمل و نقل عمومی)</p> <p>۱۱,۷. دسترسی به فضای سبز و عمومی</p> <p>۱۵,۶. دسترسی به منابع ژنتیکی (سطح کشور)</p> <p>۱۶,۳. دسترسی به عدالت</p>	
<p>اهداف زیست محیطی <i>SDG</i></p> <p>۲,۵. حفظ تنوع ژنتیکی بذور</p> <p>۷,۱. دسترسی به انرژی مقرون به صرفه، قابل اعتماد و مدرن</p> <p>۱۲,۲. دستیابی به مدیریت پایدار و استفاده کارآمد از منابع طبیعی</p> <p>۱۵,۱. اطمینان از حراست، ترمیم و استفاده پایدار از اکوسیستم های آب شیرین و خدمات آنها</p> <p>۱۵,۴. اطمینان از حفظ اکوسیستم های کوهستانی و تنوع زیستی آنها</p> <p>۱۷,۷. ارتقاء توسعه، انتقال و انتشار فناوری های صحیح محیط زیستی</p>	<p>اهداف اجتماعی <i>SDG</i></p> <p>۱,۴. حقوق مساوی برای دسترسی به منابع اقتصادی همچون دسترسی به خدمات اساسی</p> <p>۲,۳. دسترسی به زمین، دیگر منابع تولید و نهاده ها</p> <p>۵.a. حقوق مساوی در منابع اقتصادی برای زنان، دسترسی به مالکیت و کنترل بر زمین</p> <p>۱۲,۸. اطمینان از اطلاعات مرتبط و آگاهی از توسعه پایدار و سبک زندگی هماهنگ با طبیعت</p> <p>۱۴,۶. رایانه ماهیگیری برای برای جلوگیری از ماهیگیری غیرقانونی</p> <p>۱۵,۷. پایان دادن به شکار و قاچاق گونه های گیاهی و جانوری</p>
<p>اهداف اقتصادی <i>SDG</i></p> <p>۲,۳. دسترسی به زمین و دیگر منابع تولید و نهاده ها</p> <p>۲,۵. حفظ تنوع زیستی بذور</p> <p>۲.b. اصلاح و جلوگیری از محدودیت ها و تحریف های تجاری در بازارهای جهانی کشاورزی</p> <p>۲.c. تضمین عملکرد صحیح بازار کالاهای غذایی</p> <p>۵.a. حقوق برابر برای زنان ، دسترسی به مالکیت و کنترل زمین</p> <p>۷,۱. دسترسی به خدمات انرژی مقرون به صرفه، قابل اعتماد و مدرن</p> <p>۹,۳. دسترسی به شرکتهای کوچک صنعتی و دیگر کارآفرینان</p> <p>۱۴.b. دسترسی به منابع و بازارهای دریایی صنایع دستی خرده پاها</p> <p>۱۵,۱. اطمینان از حفاظت، ترمیم و استفاده پایدار از اکوسیستم های آبهای شیرین زیرزمینی و خدمات آنها</p> <p>۱۵,۴. اطمینان از حفظ اکوسیستم های کوهستانی از جمله تنوع زیست محیطی</p> <p>۱۶,۶. موسسات موثر، پاسخگو و شفاف در همه سطوح</p> <p>۱۷,۷. ارتقاء توسعه، انتقال، انتشار فناوریهای صحیح زیست محیطی</p>	

تقویت نقش کشاورزان خرده پا به عنوان عوامل تغییر منافع زیادی را برای حفظ تنوع ریست محیطی و مبارزه با تغییر اقلیم، و اطمینان از رشد اقتصادی و رفاه انسان را به همراه خواهد داشت. به عنوان مثال چنانچه کشاورزان خرده پا درآمد بیشتری کسب کنند آنها مجبور به استفاده از زمینهای بیشتر برای کشاورزی نبوده و فرزندان خود را به ادامه تحصیل تشویق خواهند کرد. با ساختار سازمانی مناسب و حاکمیت موثر، سیستم های اجتماعی جامد دسترسی شان به آموزش و درآمد پایدار و نیز دسترسی به اعتبارات خرد و مقاومت شان افزایش خواهد یافت. در حقیقت، کشاورزان خرده پا توانمند با بهبود دسترسی شان به مدیریت منابع طبیعی پایدار نقش مهمی در نیل به اهداف توسعه پایدار ایفا خواهند کرد. بنابراین ترکیبات ذکر شده (دسترسی به آموزش، حفاظت از تنوع زیستی و شمول اجتماعی) ممکن است که پایداری را در پی داشته باشد (Terlau et al., 2019).

در بررسی اثرات مزارع تجاری بر کشاورزان خرده پا در موزامبیک آفریقا توسط (Glover & Jones., 2019) مشخص شد که مزارع تجاری در انتخاب مکانهای هدف خود بسیار گزینشی عمل می کنند و مناطق نزدیکتر به زیرساختها و بازار را ترجیح می دهند و این اثرات با توجه به نوع مزرعه تجاری می-تواند متفاوت باشد.

اما توجه به راههایی که در آن کشاورزی تجاری ممکن است بتواند اقتصادهای روستایی را تحریک و به رشد سریعتر محصول کمک کند، افزایش یافته است لذا بحث براین است که در ملاخلات اصلی سیاست در بخش کشاورزی تمرکز باید بر کشاورزان خرده پا باشد (Glover & Jones., 2019).

۵- اثرات تجاری سازی کشاورزی بر امنیت غذایی

انتقال از کشاورزی معیشتی به کشاورزی تجاری کلید رشد اقتصادی است. اما چه عواقبی برای تغذیه خواهد داشت؟ شواهد و مطالعات هنوز ناچیز و بی نتیجه اند (Carletto et al., 2017). اگرچه بررسی اثر تجاری سازی کشاورزی نشان داد که این اثر بر امنیت غذایی چشمگیر نبوده و حتی در کشورهای آفریقایی اثر منفی داشته است (Linderhof et al., 2019). همچنین نتیجه بررسی (Carletto et al., 2017) در سه کشور آفریقایی جهت بررسی اثرات تجاری شدن کشاورزی نشان داد که همچنان مشارکت خرده پاها در بازار کم است و مشارکت زنان کم است.

کشاورزی از شش طریق می تواند بر تغذیه اثرگذار باشد (Ruel et al., 2018) به نقل از (Ruel & Alderman., 2013):

- ۱) دسترسی به مواد غذایی از طریق تولید خودش
- ۲) درآمد حاصل از فروش کالاهای تولیدی
- ۳) تغییر قیمت مواد غذایی با تغییر عرضه و تقاضا
- ۴) وضعیت اجتماعی زنان و توانمندسازی آنان، دسترسی و کنترل بر منابع آنان را افزایش داده است.

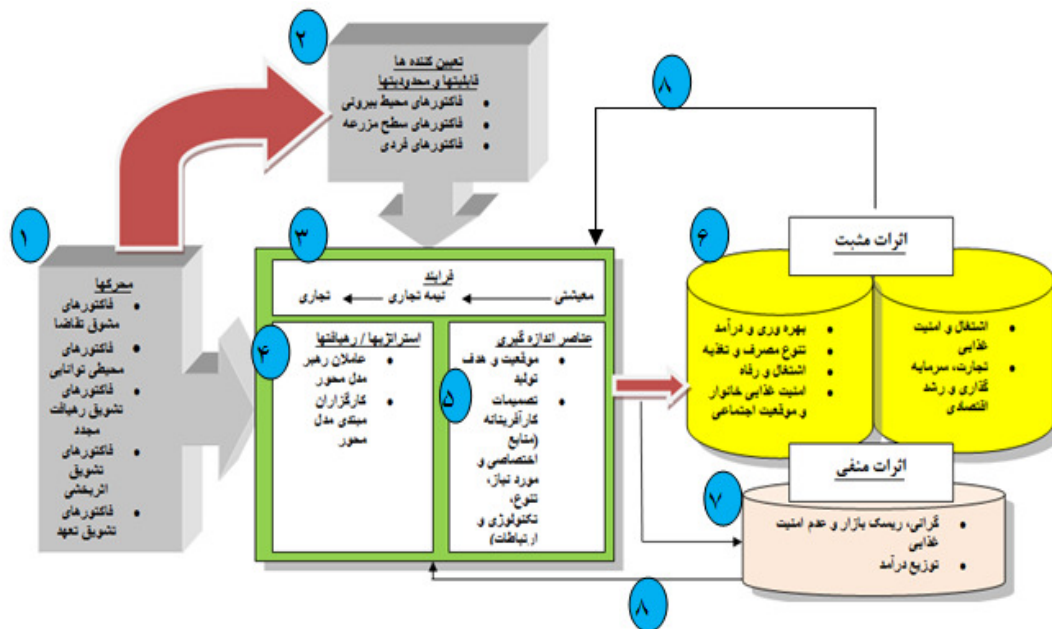
- ۵) مشارکت گاه و بیگاه زنان در کشاورزی که می تواند بر تغذیه آنان و فرزندان شان حتی منفی باشد.
- ۶) مشارکت زنان در کشاورزی می تواند بر سلامت و پیشرفت آنان بسته به عدم مواجهه با عوامل سمی و تعادل بین مصرف انرژی و هزینه، می تواند اثرات منفی و مثبت داشته باشد.

در دهه ۱۹۹۰ ویتنام به سطح بالایی از رشد اقتصادی رسید که ناشی از اصلاحات اقتصادی (معروف به *doi moi*) که از سال ۱۹۸۶ آغاز شده بود و تمرکز آن بر تحول اقتصاد برنامه ریزی شده و حرکت تدریجی آن به سوی یک سیستم بازار محور بود. بطور همزمان ویتنام کاهش چشمگیر فقر را تجربه کرد و سهم جمعیت فقیر از ۵۸٪ در سال ۱۹۹۳ به ۳۷٪ در سال ۱۹۹۸ رسید و نیز سوء تغذیه از ۴۵٫۶٪ به ۳۵٫۴٪ در سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ تغییر کرد. خصوصی سازی یکی از عناصر کلیدی اصلاحات اقتصادی ویتنام بود. و یکی از تمرکزهای اصلی اصلاحات اقتصادی بر بخش کشاورزی بود. کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به عنوان کلید حیاتی درآمد، امرار معاش و خدمات زیست محیطی است و خصوصی سازی و تجاری سازی کشاورزی می تواند بهره وری را بهبود بخشد و با تجاری سازی خرده پها در عین حالی که نیروی کار مورد نیاز برای مزارع را کاهش می دهد افراد را قادر می سازد که به دیگر بخشهای اقتصادی حرکت کنند. بعد از اصلاحات اقتصادی ویتنام بود که به ذینفعان اجازه داده شد که خود همه تصمیمات مربوط به امور کشاورزی خود را برعهده بگیرند و علاوه بر این، قیمت ها و هزینه ها برای نهاده ها و محصول آزاد شد و این آزادسازی اثر مثبت بر سطوح تجاری سازی کشاورزی داشت (Janssen, 2018).

عناصر کلیدی تجاری سازی در یک چارچوب مفهومی آورده شده است (Zhou et al., 2013). همان طور که در شکل مشاهده می شود عناصر کلیدی آن شامل؛ تعیین کننده ها (قابلیت ها و محدودیت ها)، فرایندها، رهیافت ها (استراتژی ها)، شاخص ها (عناصر اندازه گیری و سنجش)، اثرات (مثبت و منفی / خانوادگی و اجتماعی) می باشد در یک مدل مفهومی خلاصه شده و می توانند برای برنامه ریزی، اجرا و بازنگری برنامه های تجاری سازی مفید باشد.

آغاز فرایند (۱) با افزایش تقاضاست (مانند شهرنشینی) که موجب فعالیت بیشتر محیط شده (همچون سیاست و منابع) و برای رهیافت جدید کشاورزی فشار وارد می کند (همچون تغییر اقلیم) در نتیجه عملیات ها کارآمدتر می شوند (مانند تکنولوژی) یا کشاورزان را متعهدتر می کند (مانند کارآفرینی). به عنوان مثال زمانی که تقاضا بطور شگفت آوری رشد می کند، تولید برای بازار ضروری می شود و زمانی که تکنولوژی مناسب در دسترس باشد تولید برای بازار کارآمدتر خواهد شد و زمانی که کشاورزان خرده پا با جهت گیری معیشت به سوی بازار پیشرفت کنند، موفقیت و یا شکست فرایند بوسیله فاکتورهای محیطی (عوامل اقتصادی و اجتماعی)، سطح مزرعه (مانند منابع مزرعه)، تعیین کننده (۲) های فردی (همچون مهارت ها) هم تحت تأثیر قرار می گیرند و هم تأثیر می گذارند تحت تأثیر قرار می گیرد. زمانی که این فاکتورها مطلوب باشند موفقیت فرایند را امکان پذیر و نیز تسهیل می کنند اما زمانی که این فاکتورها نامطلوب باشند موجب شکست فرایند می شوند.

در بخش فرایند (۳) مدل مفهومی شکل دلالت بر این دارد که کشاورزان بتدریج روشهای معیشت را کاهش و روشهای تجاری شدن را جایگزین می کنند تا اینکه کاملاً تجاری می شوند که این فرایند براساس رهبری عاملان تغییر یا پیشرانهای اولیه یا ترکیبی از هردو متفاوت است. منظور از استراتژی (۴) پذیرفته شده تعیین عاملان کلیدی، فعالیت های کلیدی و نقش تولیدکنندگان است. بیشتر موارد موفق مبتنی بر تلاش های مشترک است. زیرا تجارت موفقیت آمیز بدون مشارکت و رویکردهای فراگیر دشوار بوده است. پیشرفت برتامه سنجیده (۵) و مشخص می شود با برخی از اهداف و جهت گیری های تولید، ماهیت تصمیمات سازمانی (مانند تخصیص منابع و فناوری)، میزان مشارکت بازار (ورودی و خروجی) و در نهایت پیش بینی می شود که تجارت موفق می تواند نتایج موفق (۶) در سطح خانوار (همچون درآمد) و در سطح جامعه (همچون امنیت غذایی) به همراه داشته باشد. درعین حال، بسته به نوع محتوا و نیز استراتژی های اتخاذ شده برخی پیامدهای منفی (۷) و ناخواسته همچون ریسک بازار را موجب شود. و در نهایت درسهای حاصل از این نتایج و اثرات وارد استراتژیها و برنامه های آینده می شوند (۸).



شکل ۲- یک مدل مفهومی از تجاری شدن کشاورزی خرده پا (Zhou et al., 2013).

۶- نتیجه گیری

در مطالعه فائو (۲۰۰۳) کشاورزان خرده پا به عنوان کشاورزان با دسترسی محدود به منابع نسبت به سایر کشاورزان تعریف شده است. اگرچه تعریف روشنی از مزارع کوچک وجود ندارد اما کشاورزان خرده پا به عنوان کشاورزان با دسترسی محدود به زمان معرفی شده اند. و چمبرز چهار ویژگی برای کشاورزان خرده پا معرفی کرده است از جمله اینکه اندازه زمین، وضعیت سلامتی، بازار محور بودن و سطح آسیب پذیری ریسک. طبق این شاخص ها کشاورز خرده پا زمین محدود، منابع فقیر، معیشت محور و دز ریسک بسیار آسیب پذیر هستند (Hagos & Geta., 2016).

تجاری سازی اجازه مشارکت افراد و خانواده های فقیر در اقتصاد داخلی و بین المللی را افزایش داده و منجر به درآمد بالاتر از مرزعه برای آنان خواهد شد. بخش کشاورزی یک ساختار دوگانه با کشاورزان معیشتی داشته داشته که برای مصرف خود و خانواده تولید کرده و مقدار ناچیزی از تولید خود را به بازار می فروشند. تجاری سازی معمولاً در مقیاس وسیع تصور می شود و اقتصاددانان اغلب تمایل به نادیده گرفتن این حقیقت دارند که حتی کشاورزان کوچک و خانواده های فقیر نیز در بازار مشارکت دارند چون آنها مازاد بر نیاز اندک خود را مجبور هستند بفروشند تا کسب درآمد کنند برای تأمین نیازهای خانوادگی خود تا آنجا که مجبور هستند مواد غذایی را امسال فروخته و در سال آینده به قیمت بالاتر آن را بخرند (Rahut et al., 2010).

بنابراین با توجه به نتایج مطالعات که مشخص شده جنسیت نقش مهمی در مشارکت در بازار دارد و به نظر می رسد مرد به عنوان سرپرست خانوار درآمد بیشتری از فروش محصول بدست می آورد. بنابراین هدف سیاست ها باید حمایت از زنان سرپرست خانوار از طریق تأمین نهاده ها، دانش درباره محصولات با ارزش بالاتر و نیروی کار کمتر و ... باشد. آموزش خانواده نیز در تجاری سازی نقش مهمی ایفا می کند لذا هدف سیاستها باید حفظ کودکان در مدرسه باشد. همچنین دارایی های دامی نیز در تجاری سازی مهم هستند. لذا در تجاری سازی باید این دارایی ها افزایش یابند زیرا کودهای دامی مزرعه را تأمین کرده و کشاورزان قادر به فروش محصولات دامی هستند. مالکیت زمین نیز در تجاری سازی اهمیت دارد زیرا داشتن زمین بدین معنی است که کشاورزان قادرند که تولدی مازاد برای فروش در بازار داشته باشند. اگرچه مقدار زمین ممکن است قابل افزایش نباشد اما سیاستها باید در جهت اجاره زمین و توسعه بازار فروش زمین و ادغام زمینهای پراکنده را بهبود بخشند و با توسعه فعالیتهای غیرکشاورزی و انتقال نیروی کار از مزرعه به غیرمزرعه، در نتیجه دسترسی به زمین برای کشاورزان را افزایش دهند.

۷- منابع

- (۱) حاجی رستملوب و عارف نیا، م. ۱۳۹۲. اهمیت بخش کشاورزی در رشد و توسعه اقتصادی. اولین همایش سراسری کشاورزی و منابع طبیعی پایدار. تهران، موسسه آموزش عالی مهر اروند، گروه ترویجی دوستاناران محیط زیست و و انجمن حمایت از طبیعت ایران، https://www.civilica.com/Paper-NACONF01-NACONF01_1446.html
- (۲) خدایانه، ب. ۱۳۹۸. اهمیت کشاورزی در ایران و جهان. ناظر اقتصاد. ۱۳۹۸/۴/۱۱. <https://monitoreconomy.ir>
- (۳) سهرابی، ج. ۱۳۹۲. نگاهی به اهمیت اقتصادی بخش کشاورزی. روزنامه جهان اقتصاد. <http://jahaneghtesad.com>. ۱۳۹۴/۱۱/۱۷

(۴) مومنی، ف.، دشتبانی، س و بانوئی، علی اصغر. ۱۳۹۶. اهمیت بخش کشاورزی در حفظ تعادل اقتصادی - اجتماعی ساختار شهری و روستایی ایران. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی. دوره ۶. شماره ۲۲.

(5) Byerlee, D., Janvry, A., Sadoulet, E., Townsend, R & Klytchnikova, I. (2008). *Agriculture for Development*. World Bank Washington.DC.pp: 2.

(6) Carletto, C., Corral, P., & Guelfi, A. (2017). *Agricultural commercialization and nutrition revisited: Empirical evidence from three African countries*. *Food Policy*, 67, 106-118.

(7) Glover, S., & Jones, S. (2019). *Can commercial farming promote rural dynamism in sub-Saharan Africa? Evidence from Mozambique*. *World Development*, 114, 110-121.

(8) Hazell, P., Roel, A., 1983. *Rural Growth Linkages: Household Expenditure Patterns in Malaysia and Nigeria*. IFPRI Research Report 41, International Food Policy Research Institute, Washington, DC.

(9) Janssen, V. (2018). *The effect of agricultural commercialization on food security*.

(10) Lamb, H. (2015). *Fairtrade speaks at UN meeting on Sustainable Development Goals*. Bonn: Fairtrade International.

(11) Linderhof, V., Janssen, V., & Achterbosch, T. (2019). *Does Agricultural Commercialization Affect Food Security: The Case of Crop-Producing Households in the Regions of Post-Reform Vietnam?*. *Sustainability*, 11(5), 1263.

(12) Ruel, M. T., Quisumbing, A. R., & Balagamwala, M. (2018). *Nutrition-sensitive agriculture: What have we learned so far?*. *Global Food Security*, 17, 128-153.

(13) Terlau, W., Hirsch, D., & Blanke, M. (2019). *Smallholder farmers as a backbone for the implementation of the Sustainable Development Goals*. *Sustainable Development*.

(14) Uy, M. (2015). *Governing Commercial Agriculture in Africa: The Challenges of Coordinating Investments and Selecting Investors*. In *Sustainable Economic Development* (pp. 161-187). Academic Press.

(15) World Bank, 2008. *Agriculture for Development*, World Development Report, Washington, DC.

(16) Zhou, S., Minde, I. J., & Mtigwe, B. (2013). *Smallholder agricultural commercialization for income growth and poverty alleviation in southern Africa: A review*. *African journal of agricultural research*, 8(22), 2599-2608.